

مبنای متفاوت برای جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه

علی قسمتی تبریزی*

چکیده

جبران خسارت که دیرزمانی آورده انحصاری مسئولیت مدنی انگاشته می‌شد، به دنبال تحولات اجتماعی و مطالبه مستمر امنیت، موضوع نظام‌های مستقلی شده است که با مبنایی متفاوت، جایگزین مسئولیت مدنی گردیده‌اند. با وجود تنوع این نظام‌های جایگزین به نظر می‌رسد آنها را می‌توان تحت عنوانی واحد بررسی کرد. در این راستا، نظریه «تضمین اجتماعی» که در حقوق فرانسه ارائه شده، با شناسایی «خطر اجتماعی» و در پرتو مفهوم همبستگی، تلاش در تمهید منطقی، متمایز و حمایت فراگیر زیان‌دیده دارد. طلایه این منطق حمایتی در حقوق ایران را می‌توان در زمینه جبران خسارت حوادث ناشی از وسایل نقلیه مشاهده کرد. فارغ از تعابیر یادشده، «قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه»، وامدار اندیشه‌ای است که با گذر از مسئولیت مدنی، جبران را مساق و ورود زیان می‌انگارد. برداشت متفاوت از حادثه و اهتمام به تدارک زیان، عدول از مسئولیت مدنی و الزامات آن و تعهد مستقل نهاد جبران‌کننده، نشانگر شباهت نظام جبران خسارت ناشی از وسایل نقلیه با «تضمین اجتماعی» است. معرفی این اندیشه و وجه شباهت آن با جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه در حقوق ایران، به همراه نقد رویه قضایی، می‌تواند زمینه‌ای برای پوشش گسترده خسارات بدنی و حمایت بیشتر از زیان‌دیدگان را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، تضمین اجتماعی، خطر اجتماعی، همبستگی، حوادث ناشی از وسایل نقلیه.

مقدمه

در میان حوادث زیان‌بار، خسارات جسمانی ناشی از وسایل نقلیه جایگاه ویژه‌ای دارند. تکرار و حجم این خسارات، در همه کشورها موجب واکنش پیوسته قانون‌گذار، محاکم و اندیشمندان بوده است. هر چند نمی‌توان انکار کرد که سیر این جریان، عموماً در جهت حمایت از زیان‌دیده است اما به نظر می‌رسد گسترش این حمایت، فراتر از حوادث رانندگی، از تحول عمومی نظام جبران خسارات متأثر باشد. در واقع اگر زیان، در زندگی زیان‌دیده اختلال ایجاد کند، برقراری این تعادل از هم گسیخته، همیشه با منطقی یکسان تمهید نمی‌شود و پاسخ به نیاز جبران را می‌توان به گونه‌ای متفاوت ابراز کرد:

- از طریق نظام مسئولیت مدنی که منطق سنتی جبران خسارت و محدود به عواملی مانند سببیت و اثبات آن، مسئول حادثه، توانایی تدارک خسارت، مشارکت زیان‌دیده در وقوع حادثه و ... است. توسعه مسئولیت به دستاویز نهادهای جمعی جبران نیز زمینه تدارک گسترده خسارت در این شیوه را فراهم آورده است.
- از طریق نظام‌های جبران خودکار^۱ مانند طرح‌هایی که در صدد الغای نظام مسئولیت مدنی (معمولاً در موردی خاص) هستند. در اینجا زیان‌دیده به صرف وقوع خسارت، استحقاق تدارک زیان را دارد و عموماً اصول مسئولیت مدنی بر این نظام‌ها حاکم نیستند.
- از طریق نظام‌هایی که مستقل از مسئولیت هستند ولی خسارت را به صورت خودکار نیز تدارک نمی‌کنند. این نظام‌ها الزاماً به دنبال مسئول خسارت نیستند و رابطه دوجانبه شخص اخیر با زیان‌دیده، جای خود را به رابطه قربانی حادثه و گروهی گسترده می‌دهد. در این طریق، گروه اجتماعی (با شرایطی) به عنوان بدهکار غرامت و ضامن امنیت اجتماعی شناخته می‌شود و دولت موظف می‌گردد که جبران را تضمین کند. با این وجود، مسئولیت مدنی حذف نمی‌شود و در رابطه ثانوی با عامل زیان و به خصوص در دعوی جانشینی جلوه‌گر می‌گردد.

تأثیر تحول نظام جبران و منطق تدارک زیان، بر حوادث ناشی از وسایل نقلیه نیز محسوس است. صرف نظر از قوانین عمومی یا موردی، نظام جبران خسارت ناشی از

حوادث رانندگی در کشور ما، سه قانون متفاوت را تجربه کرده است که مبنایی متمایز را عرضه می‌دارند:^۱

- قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (۱۳۴۷) که مبتنی بر مسئولیت و با تأکید بر بیمه بوده است. در این منطق، مسئولیت جمعی می‌گردد اما عرصه را خالی از مفاهیم ضمان مرسوم نمی‌کند.
- قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی (۱۳۸۷) که با تقویت نقش بیمه اجباری از منطق مسئولیت، خارج و به نظام جبران خسارت مستقل نزدیک می‌گردد.
- قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (۱۳۹۵) که با گذر بیش از پیش از مسئولیت مدنی، مفهوم متفاوتی از تعهد جبران خسارت ارائه می‌دهد و نظام اجتماعی جبران زیان را تکمیل می‌کند.

هر چند نظر به این قوانین، مبین تغییر اندیشه قانون‌گذار و عبور از نظام سنتی است اما درک این دگرگونی، مستلزم تحلیل ماهیت آنهاست که به نوبه خود در تفسیر مواد قانون مؤثر خواهد بود. برای بررسی مبنای نظام جبران خسارت در حوادث ناشی از وسایل نقلیه، می‌توان حقوق ایران را با قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ فرانسه در خصوص بهبود وضعیت زیان‌دیدگان حوادث حمل و نقل و تسریع جبران خسارت آنها (که به نام پیشنهاددهنده آن، به قانون بادنتر^۲ اشتهاار یافته)، مقایسه کرد. قانون‌گذار فرانسه پس از بررسی‌های فراوان، نظامی را بنا نهاد که از نظر مینا، آیین و شیوه جبران خسارت، نه تنها متفاوت از قواعد عمومی، بلکه متمایز از نظام‌های خاص جبران زیان بوده است.^۳ در دکتترین حقوقی، تحلیل‌های متفاوتی از ماهیت این قانون به عمل آمده و در حالی که برخی این قانون را محصور در اندیشه مسئولیت مدنی دانسته‌اند،^۴ بعضی مدعی هستند که این قانون، تمهیدی میان مسئولیت مدنی و جبران خودکار است.^۵ متقابلاً برخی نیز در جستجوی مبنایی متفاوت، از منطقی اجتماعی در جبران خسارت قربانیان

۱. البته از منظر تاریخی باید از «لایحه قانونی بیمه خسارات شخص ثالث ناشی از وسایل نقلیه موتوری» مصوب ۱۳۳۱/۸/۸ و متمم آن (۱۳۳۱/۱۱/۸) نیز یاد کرد که الزام راننده به انعقاد بیمه و نیز تکلیف شرکت سهامی بیمه ایران به جبران خسارت، در صورت بیمه نبودن خودرو را مقرر می‌داشت.

2. Badinter

۳. موضوع مطالعه حاضر، صرفاً معرفی نظریه «تضمین اجتماعی» و بررسی امکان تطبیق آن با حقوق ایران است. برای تحلیل قانون بادنتر:

«Le Tourneau(P), Droit de la responsabilité et des contrats, Dalloz, 2008, p. 1402 et s.».

4. Viney(G), Introduction à la responsabilité, 3è éd, L.G.D.J, 2007, p. 31 et s.

5. Laroumet(CH), L'indemnisation des victimes d'accidents de la circulation: l'amalgame de la responsabilité civile et l'indemnisation automatique, Dalloz, 1985, p. 235.

حوادث رانندگی سخن می‌گویند که مستلزم تعیین قبلی متعهد جبران به صرف مداخله^۱ خودرو در حادثه، شناسایی حقی متمایز برای زیان‌دیدگان و در بردارنده نتایج متفاوت در تدارک خسارت خواهد بود.^۲ این نویسندگان بر این باورند که سوانح رانندگی که از سال ۱۹۳۰ به عنوان «خطر اجتماعی» شناسایی شده بود با قانون ۱۹۸۵ تحت پوشش «تضمین اجتماعی» قرار گرفته است.^۳

مطالعه این اندیشه، قرابت این نظریه و نتایج آن را با تدابیر قانون‌گذار ایران نشان می‌دهد. معرفی «تضمین اجتماعی» و مبنای آن در حقوق فرانسه و امکان سازگاری آن با قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، در پرتو نقد روبه قضایی، مسایلی است که در مقاله حاضر بررسی می‌گردد.

۱. مبنای نظام‌های جایگزین مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه

مطالعه مبنای نظام‌های جبران خسارت مستقل از مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه، مستلزم شناسایی منطق متفاوت آنهاست. معرفی این منطق واحد می‌تواند زمینه تحلیل مبنایی آن را فراهم آورد.

۱-۱. منطق واحد تضمین اجتماعی

پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال افزایش خسارات و متقابلاً مطالبه روز افزون امنیت، در حقوق فرانسه روند پیوسته تصویب قوانین خاص جبران خسارت مشاهده می‌شود تا به نیاز زیان‌دیدگان پاسخی سریع و کارآمد داده شود. این قوانین خاص، در پس تکرار ظاهری خود با منطقی (عموماً) واحد به نیازی یکسان پاسخ می‌دهند.^۴ این منطق که می‌تواند به مثابه اندیشه‌ای جدید در تدارک خسارات به کار گرفته شود، از سوی برخی نویسندگان «تضمین اجتماعی»^۵ خوانده شده است. هر چند استقلال از قواعد مسئولیت مدنی، به این مقررات، تشخص می‌بخشد اما برای اینکه نظام «تضمین اجتماعی» بتواند انسجامی قابل مقایسه با مسئولیت مدنی داشته باشد باید حقوقی مشابه مسئولیت مدنی نیز به زیان‌دیدگان عرضه کند. لذا از یک‌سو، جبران کامل^۶ و از

1. Implication
2. Margeat(H), Déclin, Rémanence ou Renaissance de la Responsabilité civile?, Risques, n° 10, 1992, pp. 25-39 ; Ewald (F), Responsabilité. Solidarité. Sécurité, Risques, n° 10, 1992, pp. 9-24.
3. Sousse (M), La notion de réparation de dommage en droit administratif français, Paris, L.G.D.J, 1994, p. 342.
4. Ibid, p. 86.
5. Garantie sociale

۶. البته در ابتدای شکل‌گیری نظام‌های مستقل از مسئولیت مدنی، جبران خسارت (تحت تأثیر ملاحظات بودجه‌ای)، مقطوع و جزئی بود اما به تدریج این نتیجه که تهدیدی برای «تضمین اجتماعی» تلقی می‌گردید، با تمهید تدابیر مقتضی (مانند بیمه اجباری و صندوق‌های جبران خسارت) کمرنگ شد.

سوی دیگر، پیش‌بینی بدهکاری متمایز از مسئول حادثه که مطالبه جبران خسارت در برابر او امکان داشته باشد، از الزامات این نظام است.

باید توجه داشت که عنوان «تضمین اجتماعی» برای خساراتی که در تدارک آنها به قواعد مسئولیت تمسک نمی‌شود، می‌تواند اشتباه برانگیز باشد. لذا در وهله نخست، واژه تضمین در این عبارت باید از نظریه مشهور «استارک» که در کنار کیفر خصوصی، کارکرد اصلی مسئولیت مدنی را تضمین حق می‌دانست،^۱ متمایز گردد. هر چند نظریه تضمین حق، محصور در مسئولیت مدنی مرسوم باقی مانده است اما جایگاه ممتازی در برون‌رفت از این زنجیره بسته داشت. «استارک» نظریه خود را فتح بایی بر تحکیم جایگاه و امنیت زیان‌دیده می‌داند و پیش‌بینی می‌کند که در آینده، جبران خسارت فراگیر توسط بیمه‌های اجباری و احتمالاً نوعی تأمین اجتماعی گسترده صورت می‌گیرد، بدون اینکه کسی بتواند بگوید این آینده کی و چگونه محقق خواهد شد.^۲

تحول حقوق، سریع‌تر از آنچه وی تصور می‌کرد، صورت گرفت و بر شناسایی تعهدات قانونی خارج از مسئولیت مدنی و حق جبران زیان‌دیده اثر گذاشت. حقوق جبران جدید، بیش از اینکه به اسباب تعهد توجه کند به نتایج آن معطوف شد و دغدغه حقوق به جای عامل خسارت، زیان‌دیده می‌گردد. این حمایت گسترده و تفاوت موضوع، سبب تمایز «تضمین حق» و «تضمین اجتماعی» می‌شود. در واقع، نظریه تضمین حق با پیش‌شرط تعارض میان حق‌ها، همچنان نظامی فردی باقی می‌ماند و پاسخگوی نیاز جدید نیست. همچنین در حالی که تعارض میان حق‌ها، تنها در صورت وجود دو شخص (مسئول و قربانی) مفهوم می‌یابد در نظام جدید، اساساً فقدان مسئول، مانع جبران خسارت نخواهد بود و افزون بر این، فرض تعارض میان حقوق اجتماعی نیز غیر قابل تصور است.

از سوی دیگر در حقوق عمومی، تضمین (در انتقاد به مفهوم تقصیر) گاه مترادف بیمه به کار رفته است. «هوریو» با تصویر بیمه‌ای متقابل میان طرف اداره و شخص (که مبتنی بر اندیشه برابری در مقابل هزینه‌های عمومی است) نظریه تقصیر در مسئولیت اداری را نفی می‌کند. «دوگی» هم با سخن از بیمه در حقوق اداری همین مفهوم را در نظر دارد.^۳ نویسندگان حقوق عمومی، به تدریج ترجیح دادند واژه «تضمین» را به جای بیمه به کار برند. تضمین در اینجا به معنای مسئولیت دولت و مبتنی بر تعهد قوای عمومی و ناشی از فعل غیر (مأمور به خدمت عمومی) خواهد بود و بیانگر این است که دولت، خسارات ناشی از فعل مأمور خود را که منتسب به اداره نیست، جبران می‌کند.

1. Starck(B), Droit civil, Obligations, Paris, Litec, 1988, p. 41.

2. Ibid, p. 43.

3. Ewald(F), La société assurancielle, Risques, n° 1, 1990, pp. 5-23.

لذا همانند حقوق خصوصی، تضمین در حقوق عمومی تنها به مطالعه مسئولیت (از منظر اداری) محدود است و باید از تضمینی که به وسیله نظام‌های جبران اجتماعی محقق می‌شوند، متمایز گردد.^۱

هر چند نظام‌های اجتماعی و شیوه‌هایی که این جریان را محقق می‌کنند، متعدد و متفاوتند اما علی‌رغم این تفاوت ظاهری، منطق واحد «تضمین اجتماعی» حلقه اتصال این زنجیره متکثر است. با وجود اینکه راهکارهای این نظام، متجانس نیستند و گستره آن نیز می‌تواند متغیر باشد منطق و مبنای واحد، پیوستگی آنها را میسر کرده است و «تضمین اجتماعی»، امکان توسل به همبستگی را فراهم می‌آورد. این منطق مستقل، مستلزم استقلال واژه تضمین در برابر مسئولیت مدنی است.

۲-۱. جریان استقلال واژه تضمین اجتماعی در برابر مسئولیت مدنی

در تحول نظام جبران خسارت، به جای تقصیر یا خطر، سخن از حقوق افرادی است که «تضمین اجتماعی» از آنها حمایت می‌کند؛ این حقوق، اجتماعی و متفاوت از حقوق فردی است که مسئولیت مدنی از آن دفاع می‌کرد. لذا «تضمین اجتماعی»، طرحی نو از مسئولیت در می‌افکند که متضمن حقوق و تکالیف جدیدی است.

در حقوق مدنی، وجود جبران مستقل از مسئولیت مرسوم را مشروط به اینکه محتوای اخلاقی مسئولیت مدنی حفظ شود، پذیرفته‌اند. «ریپر» با تمایز مسئولیت و جبران‌های اجتماعی، جبران خسارت را مسأله‌ای متمایز از مسئولیت می‌انگارد که تشخیص ضرورت آن بر عهده قانون‌گذار است.^۲ همچنین «ساواتیه» این مفهوم را در معنایی گسترده به کار می‌برد و تحول حقوق را به سوی مسیری نشان می‌دهد که از بیمه‌های فراگیر و صندوق‌های جبران خسارت، شروع و به تعهد دولت (در ازای مالیات) در جبران خسارت همه سوانح می‌انجامد.^۳

هر چند نویسندگان فرانسوی، با تأخیر، واژه «تضمین اجتماعی» را در مفهوم مطلوب (یعنی نظامی متمایز از مسئولیت مدنی) به کار می‌گیرند اما حقوق‌دانان سنتی هشیار، با آگاهی از ضرورت فزاینده امنیت شهروندان، بر این استقلال صحنه می‌گذارند. «استارک» که بنیان نظریه خویش را بر تضمین می‌نهد، تحول احتمالی تضمین در خارج از مسئولیت را پیش‌بینی می‌کند و معترف است که تضمین به شکلی که وی

1. Sousse, op.cit, p. 89.

2. Préface au Traité de la responsabilité civile en droit français, Savatier(R), Traité de la responsabilité civile en droit français, T 1, Paris, L.G.D.J, 1939 ; Ripert(G), Le régime démocratique et le droit civil moderne», 3è éd, Paris, L.G.D.J, 1948, n° 197.

3. Savatier, René, «Vers la socialisation de la responsabilité et des risques individuels», Dalloz, n° 5, Chron, 1931, pp. 9-12.

عرضه می‌دارد تنها یک گام در مسیر پیشرفت مداوم به سوی امنیت بیشتر است.^۱ وی حق بر امنیت را گسترده‌تر از نظریه خویش بررسی می‌کند و معتقد است علی‌رغم افزایش موارد مسئولیت بدون تقصیر، باز هم انسان در برابر دو دسته از خطرات بی‌دفاع است: خسارت ناشی از قوه قاهره و خساراتی که عامل آن ناشناخته یا معسر است. روشن است که این دو کاستی، موضوع تضمین اجتماعی است و به برکت دو نهاد بیمه اجباری و صندوق‌های جبران خسارت یا در موارد مقتضی با مداخله مستقیم دولت، تحت پوشش قرار می‌گیرد.

همچنین برخی با یادآوری ناکارآمدی مفاهیم موجود در مسئولیت مدنی، به استقبال «مسئولیت اجتماعی» می‌روند تا با مشارکت عمومی و به یاری مالیات، تدبیری در برابر فجایع گسترده، اتخاذ شود.^۲ در حقوق عمومی نیز این منطقی جدید که مستلزم جبران خسارت خارج از مسئولیت بود، استقلال و اصالت یافت.

پس از این تمایز، نوبت به نام‌گذاری این نظام می‌رسد و «تیری رنو»^۳ به سال ۱۹۸۸ واژه «تضمین اجتماعی» را در خصوص جبران خسارت قربانیان تروریسم، به کار می‌برد. وی در تعریف این عبارت به نظامی اشاره می‌کند که تدارک خسارت در آن، نیاز به اثبات قبلی رابطه سببیت میان خسارت و فعل عامل زیان ندارد. در نظر «رنو» تضمین، بیانگر اجتماعی کردن مسئولیت است که حسب آن، غرامت از سوی قوای عمومی (علی‌رغم اینکه زیان مرتبط با فعالیت اداری نیست)، تقبل می‌شود و این مفهوم به جای حقوق مسئولیت، ناشی از اتحاد بیمه و همبستگی ملی است.^۴ از این پس، اصطلاح «تضمین اجتماعی»، وارد واژه‌نامه حقوق جبران می‌شود. «پونتیه» نیز مدتی بعد، در مقاله‌ای که به دستاویز بررسی جبران خسارت قربانیان ایدز منتشر کرد نظام جبران خسارت زیان‌دیدگان اخیر را متمایز از مسئولیت و به عنوان «تضمین اجتماعی» توصیف می‌کند.^۵

این نظام جبران با مسئولیت مدنی، تفاوتی عمده دارد: افزون بر گستره وسیع زیان که مقتضی تضمین گروهی است، سببیت نیز اهمیت خود را از دست می‌دهد و متعاقباً جبران پیامدهای قوه قاهره نیز ممکن خواهد بود. امتناع از اثر معاف‌کننده قوه قاهره، مستلزم پذیرش تعهدی است که متعهد، سبب آن نیست.^۶ صرف وجود زیان برای جبران، کافی و لذا جستجوی مسئول مقصر یا خطر ساز، بی‌فایده است. اینجاست

1. Sousse, Marcel, op.cit, p. 92.

2. Viney, Geneviève, op.cit, p. 109.

3. Thierry Renoux

4. Sousse, Marcel, op.cit, p. 94.

5. Pontier, J-M, «Sida, de la responsabilité à la garantie sociale», *RFDA*, 1992, p. 533.

6. Leduc, Fabrice, «Le droit de la responsabilité hors le code civil», *Petites affiches*, n° 133, 2005, p. 8.

که با توسل به همبستگی، جبران از دارایی نهاد(هایی) که مستقل از مسئول زیان هستند، پرداخت و اجتماعی می‌گردد.^۱

گذشته از تمایز با مسئولیت (که صبغه حقوقی دارد)، تضمین اخیر، متفاوت از مساعدت و امداد است که مشخصه اخلاقی دارند. شیوه‌های اجتماعی جبران با نفی و تلفیق همزمان این دو مشخصه حقوقی و اخلاقی، نظامی اجتماعی را بنیان می‌نهند که یکپارچگی حقوقی دارد.

مع‌هذا برای ملاحظه اصالت منطق «تضمین اجتماعی»، این نشانه‌ها شاهدی ضعیف و ناکافی هستند. آنچه این مدعا را اثبات می‌کند، مبنای مستقل است. هر چند نظری به مبنای سنتی (دست‌کم از لحاظ تاریخی) بی‌فایده نیست اما پرداختن به این مبنای در این نوشتار هیچ ضرورت و توجیهی ندارد و «تضمین اجتماعی»، بیشتر در خارج از گستره سنتی مسئولیت (در حقوق خصوصی و عمومی) بالیده است.

۱-۳. جستجوی مبنای متمایز برای «تضمین اجتماعی»

در جستجوی این مبنا نباید تأثیر اندیشه‌های موجود در عرصه مسئولیت بدون تقصیر در حقوق خصوصی و عمومی را از یاد برد. از نظریه خطر تا تساوی در برابر هزینه‌های عمومی، با گذر از اندیشه بیمه اجتماعی و نظریه تضمین «استارک»، حق جبران متحول می‌شود و دنیای جدیدی را به تسخیر در می‌آورد.

شباهت مسئولیت بدون تقصیر و «تضمین اجتماعی» ناشی از موضوع مشترک آنهاست که تضمین خطرات است. مع‌هذا این شباهت ظاهری است چون خطر تضمین شده، مشابه نیست: در تضمین اجتماعی با «خطر اجتماعی» مواجه هستیم و اندیشه ریسک (اگرچه الهام‌بخش نظام اخیر است)، تغییر ماهیت می‌دهد. لذا به نظر می‌رسد که برای تحلیل مسأله، تنها تمسک به حقوق تعهدات و مسئولیت بدون تقصیر کافی نیست. «تضمین اجتماعی»، زاییده سیاست امداد و مساعدت است که جایگاهی اخلاقی دارد. «مساعدت عمومی»^۲ شیوه‌ای است که «تضمین اجتماعی» آن را به استخدام در می‌آورد و هنرش در این است که به آن چهره‌ای حقوقی می‌بخشد. این تکلیف امدادسانی به عنوان مقدمه بحث، نیاز به بررسی دارد.

۱-۳-۱. وجود اندیشه «مساعدت عمومی» در تضمین اجتماعی

برای درک نقش مساعدت در این عرصه باید حسب اینکه جبران اجتماعی به شیوه بیمه‌ای رخ دهد یا با مداخله مستقیم دولت محقق گردد، تفاوت قائل شد. در

1. Sousse, Marcel, op.cit, p. 109.

2. Secours public

مورد نخست، خطر بر روی گروه بیمه‌گذار، اجتماعی می‌شود. هر بیمه شده با امضای قرارداد و پرداخت حق بیمه، اراده خود را برای بهره‌مندی از جبران احتمالی نشان می‌دهد. البته این اراده که با پذیرش عوض مقرر و به طور خودخواسته، در چارچوب قراردادی محصور می‌ماند، موضوع سخن نیست. در واقع، نظام‌های «تضمین اجتماعی» به ایجاد یک بیمه اجباری در عرصه‌ای خاص (مانند تصادفات رانندگی) محدود نمی‌شوند و در خیلی موارد (حتی با پیش‌بینی بیمه) نیز مستلزم مداخله مستقیم دولت^۱ هستند. این جبران مستقیم توسط دولت می‌تواند با اخذ مالیات میان شهروندان تقسیم شود و مالیات بیان این همبستگی ملی خواهد بود.^۲ دولت در مقام ضامن بقای اجتماع، در مواجهه با حوادثی که بر جامعه، آسیب وارد می‌آورند و بلیه‌ای اجتماعی^۳ انگاشته می‌شوند، تکلیف یاری‌رسانیدن به مصیبت‌دیدگان را مقرر می‌کند. به تعبیری دیگر، گونه‌ای قرارداد ضمنی میان شهروندان و دولت منعقد شده است که اجازه می‌دهد به نام همبستگی و به منظور یاری‌رسانیدن به قربانیان، بار خطرات میان گروه اجتماعی تقسیم شود.^۴

اجرای این قرارداد اجتماعی، در هر مورد خاص نیاز به پذیرش شهروندان دارد و اراده همبستگی ایشان از طریق قانون‌گذار ابراز خواهد شد.^۵ از این منظر، تعریف جدیدی از بلایای عمومی ارایه می‌شود و به جای مفهوم سنتی بخشش و مساعدت که جنبه اخلاقی داشت، حق بر جبران خسارت در برابر دولت، در مواردی (مانند خسارات ناشی از تصادفات، حوادث طبیعی، جنگ و اقدامات تروریستی، بیماری‌های فراگیر، خطرات فناوری، آلودگی متعاقب انتقال خون و ...) که قوای عمومی نقشی در وقوع زیان نداشتند به رسمیت شناخته می‌گردد.^۶ این حق جبران، امکان بررسی مفهوم و شالوده تضمین اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۱-۳-۲. مبنای «تضمین اجتماعی» در حقوق فرانسه

هر چند اندیشه‌های متعددی الهام‌بخش «تضمین اجتماعی» هستند، اما این مسأله که باید قائل به تعدد مبنایی بود یا یک مبنا را اختیار کرد، قابل بررسی است.

۱. باید مداخله مستقیم دولت در «تضمین اجتماعی» را از جبران خسارت دولتی (مانند رویه شوروی سابق)، متمایز کرد. صرف نظر از تفاوت مبنا، اساساً اندیشه دولتی کردن جبران با بیمه اجباری، سازگاری ساختاری ندارد. شاید اثر نامحسوس این سنت است که در کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی، عملاً بسیاری از وسایل نقلیه بیمه نیستند:

Daniel, Jean Pierre, «L'assurance automobile dans les pays émergents: vers l'âge de raison?», Risques, n° 83, 2010.

2. Pontier, J-M (1983), «De La solidarité nationale», Revue de droit public, 1983, p. 922.

3. Fléau sociale

4. Soussse, Marcel, op.cit, p. 142.

5. Ibid, p. 143.

6. Ibid.

۱-۲-۳-۱. تعدد اندیشه‌های بنیان‌گذار تضمین اجتماعی

الف) خطر: اندیشه‌هایی که نفس زیان را برای جبران کافی می‌دانند، نقطه آغازین و مشترک خود را در نظریه خطر می‌یابند. این نظریه، در بطن خود اندیشه‌ای معوض است که خطر را پدیده‌ای سودمند و در عین حال زیان‌بار می‌داند. خطر، هزینه پیشرفت جامعه است که همگان را بهره می‌رساند اما دست تقدیر، قربانیان معدودی را برمی‌گزیند. این انتخاب کور، ضرورت تعیین مسئولی که الزاماً مقصر نیست را ایجاد می‌کند. بیمه نیز در این مجموعه، به عنوان ضامن تعهد جمعی به یاری مدیون می‌شتابد. لذا گذشته از تغییر مفهوم مسئولیت، این نظریه، فتح باب نفوذ (محدود) گروه در جبران خسارت است.

اگرچه نظریه خطر، در قالب مسئولیت مدنی و در پی سببیت است اما تفاوتی مهم با رویه سنتی مسئولیت دارد: تلاش در یافتن عامل زیان بر مبنای خطا، چونان حرکتی واپس‌گرایانه بود و نقطه حرکت، گسیختن جریان طبیعی اشیاء است که ما را به جستجوی مسئول وا می‌دارد. اما در اندیشه خطر، مسئولیت رو به آینده دارد و حاوی پیامدهایی قابل پیش‌بینی است که عامل زیان، از هم اکنون، باید بار تعهدش را بر دوش کشد.^۱

هر چند خطر، مبنای واحد و اصیلی برای «تضمین اجتماعی» به شمار نمی‌آید لیکن در گسترش تعهد جبران و تسهیل شرایط آن تاثیری شایان داشته است. مع‌هذا باید توجه داشت خطری که مستند «تضمین اجتماعی» است دو ویژگی ممتاز دارد: نخست، اجتماعی و دیگر اینکه استثنایی است. به دیگر سخن، تنها خساراتی می‌توانند تحت شمول تضمین اجتماعی باشند که از شدت یا اهمیتی خاص، فراتر روند. این مشخصه سبب می‌شود که از توسعه غیر قابل کنترل ریسک اجتماعی، اجتناب گردد^۲ و صرفاً فجایع و حوادث مهم، موضوع این تضمین قرار می‌گیرند.

ب) همبستگی:^۳ دومین اندیشه بنیان‌گذار تضمین اجتماعی، ناشی مساعدت عمومی است. همبستگی که در تعبیر سنتی، مشخصه‌ای ملی است اجازه می‌دهد شهروندان را در جهت هدفی مشترک، پیوند داد. همبستگی ارزشی اجتماعی دارد و همچنان که نمی‌تواند بر یک نفر اعمال شود، اجرایش نیز منوط به تصویب جامعه است. در قرن بیستم، مفهوم همبستگی از محبس اخلاقی خود خارج شد و به عالم حقوق گام نهاد. در فرانسه که ابتدائاً این مبنای دستاویزی جهت جبران خسارات جنگ بود، با گذر زمان به جبران دیگر بلاهای ملی توسعه یافت.^۴ گسترش همبستگی در ورای روابط

1. Millet, Florence, op.cit, n° 510.

2. Soussse, Marcel, op.cit, p. 143.

3. Solidarité

4. Ibid, pp. 144-145.

قراردادی بیمه‌گر با بیمه‌گذار، امکان جبران خساراتی را می‌دهد که با ضوابط بیمه مسئولیت یا بیمه مستقیم قابل تضمین نبودند.^۱

پ) برابری: برابری و همبستگی، رابطه‌ای تنگاتنگ و هر دو خاستگاهی اخلاقی دارند. این اصل که نقش مهمی در حقوق اداری دارد، یکی از مبانی مسئولیت بدون تقصیر شمرده شده و امروزه تساوی در برابر هزینه‌های عمومی،^۲ دامنه اعمال گسترده‌ای یافته است.^۳ در حقیقت، برابری از دو مفهوم مکمل تشکیل می‌شود: برابری افراد در حقوق و برابری افراد در برابر هزینه‌های عمومی که به تکالیف هر کس بر می‌گردد و مستلزم مداخله دولت است.^۴

در کنار مبانی مستقیم مسئولیت که ترجمانی از اصل تقصیر و خطر در حقوق عمومی را عرضه می‌دارد، اصل «برابری افراد در برابر هزینه‌های عمومی» مبنایی است که به مسئولیت اداری اصالت می‌دهد. با وجود این باید توجه داشت که مبنای اخیر باید در کنار مبانی مستقیم و به عنوان مکمل به کار رود و نمی‌تواند در تمامی موارد مسئولیت بدون تقصیر لحاظ گردد.

پیش از این، یادآوری شد که «دوگی» دولت را بیمه‌گر خطرات اجتماعی می‌خواند و مسئولیت آن را بر اندیشه بیمه اجتماعی که صندوقی جمعی عهده‌دار آن خواهد بود، بنا می‌نهد.^۵ اندیشه بیمه که با گذر زمان و متأثر از نظریه «استارک»، در حقوق عمومی نیز عنوان تضمین به خود می‌گیرد به عنوان آرمان عدالت و در انطباق با انصاف، زیان‌دیده را در کانون توجه قرار می‌دهد.

اما این مسئولیت‌پذیری فزاینده نیز، جستجوگر را از راهکاری اصیل در خصوص «تضمین اجتماعی» مستغنی نمی‌کند: صرف نظر از اینکه، نزاع در قالب مسئولیت و سببیت باقی مانده، توسعه مسئولیت عمومی با انتقادات عمده‌ای مواجه شده است. در واقع، به نظر می‌رسد که گسترش مسئولیت بدون تقصیر و تبدیل قدرت عمومی به بیمه‌گری فراگیر (که متعهد به جبران همه خسارات است)، آرمانی و غیر قابل دسترسی است که در نهایت به نفع زیان‌دیده نخواهد بود.

دشواری انتخاب اندیشه «تضمین اجتماعی» با توجه به منطقی واحد (که برآمده از اختصاصات آن است)، قابل حل خواهد بود. مبانی متعدد مسئولیت بدون تقصیر در حقوق عمومی و خصوصی، هر چند می‌توانند آبشخور این نظام انگاشته شوند اما اصالت آن را خدشه‌دار نخواهند کرد.

1. Pignierol, Bernard, «Responsabilité et socialisation du risque», AJDA, n° 40, 2005, p. 2211.

2. Egalité devant les charges publiques

3. Delvolvé, Pierre, Le principe d'égalité devant les charges publiques, Paris, L.G.D.J., 1966, n° 435.

4. Sousse, Marcel, op.cit, p. 113.

5. Duguit, Léon, Traité de droit constitutionnel, T 3, Paris, Gallica, 1927, p. 466.

۱-۳-۲. پذیرش چندین مبنا

در برابر مبانی متعدد، می‌توان به دو شیوه برخورد کرد: از یک سو می‌توان جمله مبانی مطروحه را به عنوان بنیان «تضمین اجتماعی» اختیار کرد. این راهکار ساده، بدین معنا است که در هر قانونی که متضمن جبران اجتماعی باشد، سه اصل فوق ایفای نقش می‌کنند. به دیگر سخن، در صورت رخداد خسارتی که «خطر اجتماعی» انگاشته می‌شود دولت به نام «اصل برابری»، خسارت را جبران و مجلس با تمهید بیمه یا با مقرر داشتن مداخله مستقیم دولت، «همبستگی ملی» را محقق می‌نماید. اما علی‌رغم سهولت راهکار فوق، مشخص نیست که کدامیک از این سه اصل، تعیین‌کننده است و نیز هریک، مشخصاً در چه هنگام به موقع اجرا گذارده می‌شوند. همچنین برخی نویسندگان، دوگانگی مبنایی خطر و همبستگی را آزاردهنده می‌دانند و استدلال می‌کنند که چگونه با نظریه خطر به نظام مسئولیت نزدیک می‌شویم و با همبستگی آن را کنار می‌نهیم.^۱

لذا بعضی درصدد تمایز و طبقه‌بندی میان مبانی مختلف برآمده‌اند. در نظر ایشان، «تضمین اجتماعی» مبتنی بر اندیشه‌ای واحد است و بقیه مبانی در حد شرط ایجاد تعهد هستند.^۲ با این وجود، به نظر می‌رسد که تمایز میان مبنا و شرط نیز ابهاماتی به دنبال دارد. همچنین این تمایز (به هر شکل آن) سبب می‌شود که یکی از مبانی سه‌گانه، اهمیت بیشتری نسبت به دیگری بیابد که بی‌تردید موجه نیست.^۳ این انتقادات سبب شده که برخی به دنبال نظریه متفاوتی برای توجیه «تضمین اجتماعی» باشند.

۱-۳-۳. در جستجوی مبنایی اصیل

جستجوی این مبنا، مستلزم رد مبانی سنتی است. در واقع هریک از سه اصل مذکور، مشکلاتی بر می‌انگیزد و نظام جدید را محدود می‌کند. همچنین حق بر جبران خسارت در عرصه مسئولیت، همانند نظام تضمین نیست: جدای از ماهیت اجتماعی آن، این حق در شرایط استثنایی و از راه تقنینی شناخته می‌شود که وجودی مستقل و متمایز از مسئولیت دارد. این مبنای جدید و اصیل را می‌توان در «همبستگی اجتماعی» یافت. در واقع، مساله این است که چگونه می‌توان بدون ضرورت رابطه سببیت، خسارت را جبران کرد؟ لذا باید تعریف جدیدی از خطر مورد تضمین ارائه داد که در قالب «خطر اجتماعی»^۴ بیان می‌گردد.^۵

1. Pontier, cité par sousse, op.cit, p. 147.

2. Renoux, Thierry, «L'indemnisation des victimes d'actes de terrorisme, un nouveau cas de garantie sociale», RFDA, 1987, p. 916.

3. Sousse, Marcel, op.cit, pp. 148-150.

4. Risque social

۵. قسمتی تیریزی، علی، اجتماعی کردن خطرات، نامه مفید، شماره ۸۲، ۱۳۸۹، ص. ۶۶.

۱-۳-۲-۳-۱. کاوشی پیرامون همبستگی اجتماعی

مذکور افتاد که همبستگی، در کنار خطر و برابری، نقش عمده‌ای در ساختار تضمین اجتماعی دارد. در تعبیر سنتی، مفهوم همبستگی غالباً محدود به «همبستگی ملی»^۱ بود، اما ضرورت تلفیق تمامی اصول سازنده تضمین نوین، سبب شده که نویسندگان متأخر با ترکیب این سه، به «همبستگی اجتماعی»^۲ تمسک جویند که علاوه بر جامعیت، با نیازهای امروز انطباق بیشتری دارد. همبستگی ملی شامل دو چیز بود: ملتی که همبستگی باید در آن به اجرا در آید و ذی‌نفعان همبستگی که ملیت واحد دارند.^۳ اما امروزه این برداشت مضیق که حمایت را منحصر به شهروندان و اتباع یک نظام سیاسی می‌کند، ناعادلانه است. استثنایی بودن خسارت و سیاست امدادسانی که مستور در اندیشه همبستگی است، موجب می‌شود خسارت خارجیانی که از یک بلیه عمومی زیان دیده‌اند، تدارک گردد.

از آنجا که زندگی اجتماعی، عرصه سود و زیان است، هر عملی که برای عده‌ای خوشایند و سودمند باشد می‌تواند از نظر گروهی دیگر، ناخوشایند و زیان‌بار محسوب شود. سابقاً حقوق در مواجهه این تضاد، عرصه مسئولیت محدودی را به رسمیت می‌شناخت که محصور به تکلیف منفی منع اضرار به دیگری بود. این تکلیف منفی، پاسخگوی اقتضائات تمدن و انتظارات افکار عمومی معاصر نیست. حقوق امروز در کنار این تعهد منفی، تکلیف مثبت دستگیری از هم‌نوعان را پدید آورده است. «همبستگی اجتماعی»، مفهومی است که اجازه می‌دهد بدبختی‌ها و ناکامی‌ها را نیز همانند خوشی‌ها و شادکامی‌ها تقسیم نمود. مع‌هذا، برخلاف تکلیف سنتی همبستگی و دستگیری از غیر که ریشه اخلاقی داشت و ضمانت اجرای خود را در وجدان می‌یافت تعهد جدید، ریشه حقوقی دارد و ضمانت اجرای خود را در قانون می‌یابد. همبستگی نوین، متکی به فرد نیست، وابسته به اجتماع است و گستره‌اش نیز برخلاف گذشته فراتر از خانواده، گروه و ملیت، در قبال جامعه است. اگر مسئولیت مدنی اصولاً نمی‌تواند ترک مساعدت به غیر را موجب ضمان بداند، همبستگی اجتماعی با اتخاذ راهکارهای حقوقی پیشگیرانه (مالیات، حق بیمه، پرداخت‌های اجتماعی و ...) به استقبال خطرات و ناکامی‌ها می‌رود و ضمن تحمیل این تکلیف، نتیجه امداد و احسان اخلاقی را با هزینه‌ای کمتر، تحصیل می‌کند. این مفهوم اصیل، در عین حال که وام‌گرفته از مسئولیت نیست، در دکتترین معاصر نیز شناخته شده است.^۴ اندیشمندانی که قایل به نظام جبران مستقل از

1. Solidarité nationale

2. Solidarité sociale

3. Renoux, Thierry, op.cit, p. 917.

4. Duguit, Léon, Manuel de droit constitutionnel, Paris, Editions Panthéon-Assas, 2007, p. 8.

مسئولیت بوده‌اند نیز این اصطلاح را در مواردی که تعهد جبران بر جامعه تحمیل می‌شود، بکار گرفته‌اند.^۱ اراده جبران خسارت، شرایط و شمار زیاد مصیبت‌دیدگان و حجم بالای خسارت، جملگی دلایل انتخاب این همبستگی فراگیر است که ترجمان خویش را در «تضمین اجتماعی خطرات» می‌یابد. موضوع تضمین جدید، خطر نامتعارف است و منشاء آن به اجتماعی کردن خطرات بر می‌گردد.^۲

از بررسی مطالب مطروحه و با توجه به ویژگی‌های خسارات ناشی از وسایل نقلیه، مشخص می‌شود که امروزه نمی‌توان تعهد جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه را صرفاً مبتنی بر مسئولیت مدنی دانست و با تلقی این حوادث، به عنوان خطری اجتماعی می‌توان آنها را در گستره تضمین اجتماعی قرار داد.

۲. نشانه‌های «تضمین اجتماعی» حوادث ناشی از وسایل نقلیه و آثار آن در حقوق ایران

بیان شد که جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه از ۱۳۴۷ تا ۱۳۹۵ سه تحول عمده قانونی را به خود دیده است. اما آیا می‌توان پذیرفت که این تحول به سوی نظامی مستقل از مسئولیت بوده است؟ در تحلیل مبنای این قوانین، نظریه‌های متفاوتی از خطر تا مسئولیت محض^۳ و حتی مسئولیت مطلق^۴ ارایه شده^۵ که به نظر می‌رسد که انطباق کاملی با ماهیت این قانون ندارند. در واقع، این نظریات جملگی، وابسته به مسئولیت عامل زیان هستند. به این تعبیر که عامل حادثه، مسئولیتی محض، مطلق یا مبتنی بر خطر دارد و متعاقب آن، بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارات بدنی آن را بر عهده گیرد. در حالی که در بسیاری موارد، به رغم اینکه اساساً عامل حادثه هیچ مسئولیتی ندارد، حق جبران خسارت به رسمیت شناخته شده است. لذا این تدبیر، قرابتی با ضمان سنتی ندارد و مسئولیت مدنی در توجیه آن ناتوان خواهد بود.

1. Pontier (J-M), Sida, de la responsabilité à la garantie sociale, *RFDA*, 1992, p. 533.

2. Soussse, Marcel, *op.cit.*, p. 138.

۳. بادینی، حسن، مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۱، ص. ۲۹.

۴. ره‌پیک، سیامک، مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه براساس قانون بیمه اجباری مصوب سال ۱۳۸۷ در مقایسه با قانون مصوب ۱۳۴۷، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۳، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶.

۵. برخی نویسندگان درصدد توجیه مبنای قانون با تمسک به «انتساب عرفی» برآمده‌اند (خدابخشی، عبدالله، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی و تحولات آن در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۳). صرف نظر از اینکه انتساب، داخل مسئولیت مدنی است و بررسی آن مجال واسعی می‌طلبد باید توجه داشت انتساب، مفهومی مرتبط یا جایگزین سببیت است و نمی‌تواند به جای مبنای مسئولیت به کار آید.

هر چند نشانه‌های گذر از مسئولیت مدنی، با اصلاح قانون بیمه اجباری در سال ۱۳۸۷ آشکار شد اما متأسفانه در کنار رویه شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارات بدنی، محاکم نیز این استقلال را (آن‌گونه که باید) به منصف ظهور نرسانیده‌اند و در برخی موارد، تلاش در تمسک به قواعد مسئولیت مدنی دارند. اما بر خلاف باور معمول، به نظر می‌رسد پذیرش «تضمین اجتماعی»^۱ راهکاری مطلوب در توجیه اراده قانون‌گذار است زیرا این قانون با بسیاری از استدلال‌های سنتی قطع رابطه کرده و حق جبران را به گونه‌ای متفاوت ایجاد می‌کند. این موارد را می‌توان به شرح ذیل بررسی کرد که به نوبه خود، آثار متفاوتی از نظام مسئولیت مدنی (در استنباط قانون) به دنبال دارد.

۱-۲. برداشت اجتماعی از حادثه

در نظام مسئولیت مدنی، حادثه رانندگی فردی است و توسط عامل زیان و بعضاً به مساعدت بیمه تدارک می‌شود. اما مقنن در آخرین اراده خود (بر خلاف قانون ۱۳۴۷ و ۱۳۸۷)، عبارت «مسئولیت مدنی» را از عنوان قانون، حذف کرد و تنها سخن از «بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» به میان می‌آورد.^۲ به دیگر سخن، قانون‌گذار بیش از مسئول به حادثه، توجه دارد و

۱. برخی به تبع شماری از نویسندگان فرانسوی، به دستاویز جبران جمعی و پیش‌بینی بیمه، مبنای قانون ۱۳۴۷ و ۱۳۸۷ را «تضمین گروهی» دانسته‌اند (صفایی، سید حسین، مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۹۱، ص. ۷۵). اما به نظر می‌رسد تضمین گروهی نمی‌تواند به عنوان جایگزین تقصیر یا خطر تعریف شود. زیرا گذشته از تفاوت مبنایی این دو قانون، اولاً صرف وجود بیمه، مبنای مسئولیت را نفی نمی‌کند یا تغییر نمی‌دهد. همچنین، تضمین گروهی به شیوه جبران بر می‌گردد و ناظر به تکنیک تدارک زیان است که فرع بر مسئولیت تلقی می‌شود. در حقیقت، مسئولیت نوعی مستظهر به بیمه می‌شود تا امکان تدارک خسارت را فراهم آورد. در حالی که «تضمین اجتماعی» منطقی متفاوت است که بیمه اجباری یا صندوق جبران خسارت را جایگزین مسئولیت مدنی می‌کند. به تعبیر دیگر، بیمه مسئولیت در راستای «جمعی شدن مسئولیت» و متفاوت از اندیشه «اجتماعی کردن خطرات» است که در جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه دنبال می‌گردد (قسمتی تبریزی، علی، منبع پیشین، ص. ۷۴).

۲. البته قطعاً تمهید قانون بیمه اجباری نیز در راستای مسئولیت نوعی و فاصله گرفتن از مبنای تقصیر بوده است (کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، جلد ۱، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص. ۶۱۳). در این راستا، تقصیر عامل حادثه تأثیری در تکلیف بیمه یا صندوق نداشت و صرف وقوع حادثه، مستلزم جبران خسارت بود. مع‌هذا برخی محاکم، این حقیقت را نادیده می‌انگاشتند. مثلاً در دادنامه شماره ۱۲۳۳ مورخ ۹۳/۱۲/۲۷ شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران، به ناروا اعلام شده است: «قدر متیقن این است که در دعوی طرح شده، وجود سه جزء باید احراز و اثبات شود: ... دوم اینکه تقصیر راننده متواری ثابت شود و بالاخره اینکه ورود خسارت و صدمه بدنی غیرعمدی ناشی از تصادفات به زیان‌دیده احراز گردد ...». این تلقی و ضرورت اثبات تقصیر، با هیچ‌یک از مواد قانون بیمه اجباری و اصلاح آن همخوانی ندارد. همچنین سابقاً برخی محاکم برای تعیین میزان خسارت، مشارکت زیان‌دیده یا تقصیر او را لحاظ و به ناروا، از غرامت زیان‌دیده (که از بیمه یا صندوق تادیه می‌گردید)، کم می‌کردند که انتظار می‌رود این رویه با صراحت قانون، تغییر کند. زیرا علاوه بر قانون بیمه اجباری، هنگامی که ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (۱۳۸۹)، تخلف حادثه‌ساز عابر پیاده را مانع تعهد بیمه و صندوق خسارت بدنی تلقی نمی‌کند، به طریق اولی مشارکت زیان‌دیده نیز مانع جبران کامل خسارت نخواهد گردید.

عامل حادثه نیز همانند زیان دیده، جزئی از یک کل مستقل است. در این راستا به نظر می‌رسد که وسیله نقلیه، نه به عنوان سبب خسارت، بلکه به مثابه منبع اعمال نظام خاص جبران خسارت انگاشته می‌شود.^۱

این تغییر در کنار سایر مواد قانون، نشانگر تشخیص حادثه در نظر قانون‌گذار و برداشتی متفاوت از آن است. تعریف حادثه به هر گونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه حتی در صورتی که بر اثر حوادث غیر مترقبه^۲ باشد (بند پ ماده ۱)، تکلیف جبران خسارت را حسب مواد ۴ و ۲۱ متوجه بیمه یا صندوق تأمین خسارات بدنی می‌کند. در حقیقت قانون‌گذار فراتر از تصادم وسایل نقلیه یا تصادف با وسایل نقلیه، به خود سانحه توجه دارد و به این ترتیب، خساراتی را می‌توان جبران کرد که در مسئولیت مدنی یا حتی بیمه مسئولیت، تدارک آنها منتفی بود.

حادثه در این برداشت، پدیده‌ای اجتماعی است که باید پیامد آن جبران شود. در این راستا، ضرورتی ندارد که تصادم الزاماً در برخورد وسایل نقلیه یا میان خودرو و عابر پیاده اتفاق افتاده باشد.^۳ همچنین نقش فعال یا انفعالی وسیله نقلیه، موضوعیت ندارد و با توسعه مفهوم شخص ثالث (بند ت ماده ۱)، تکلیف جبران در برابر هر خسارتی که ناشی از مداخله وسیله نقلیه (حتی بدون تصادم) باشد، وجود دارد. مثلاً در صورتی که بر اثر هر گونه حادثه، ضایعاتی (مانند شیشه) از وسیله نقلیه مصدوم بجا مانده یا سطح معبر، لغزنده شده باشد و این امر، موجب آسیب پیاده یا وسیله نقلیه ثالثی شود، جبران بر بیمه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تحمیل می‌گردد.

با این تلقی، ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی زیان دیده نیز اهمیتی در جبران خسارت ندارد. حادثه رانندگی، واقعه‌ای عینی است و گروه اجتماعی، متکفل تدارک خسارات ناشی از آن است. پذیرش مبنای همبستگی اجتماعی، موجب می‌شود که

1. Sousse, Marcel, op.cit, p. 343.

۲. تعبیر «حادثه غیر مترقبه» (اگر معادل عبارت Cas fortuit در حقوق فرانسه باشد)، در ادبیات حقوقی ایران، مرسوم نیست. بی‌تردید، حادثه در نفس خود «غیر مترقبه» و ناخواسته است و بهتر بود به جای آن، واژه آشنای «قوه قاهره» به کار می‌رفت.

۳. یکی از موارد شایع، برخورد وسایل نقلیه با احشام است. در حاکمیت قانون ۱۳۸۷، رویه قضایی عموماً با این استدلال که خسارت باید ناشی از تصادم با وسیله نقلیه باشد، از تدارک زیان اجتناب می‌کرد. مثلاً در دادنامه شماره ۱۰۱۲۸۱/۱۳۵۱۰۹۹۷۱۸۳۵۱۰ مورخ ۹۰/۱۱/۱۵ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی صومعه‌سرا ضمن ارتباط ناروای تقصیر به تعهد جبران خسارت، تصریح گردیده: «در ما نحن فیه صاحب حشم، مقصر حادثه اعلام شده و حشم هم وسیله نقلیه موتوری نبوده و دارای بیمه شخص ثالث نبوده و از موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری ... خارج است.» این تلقی ناروا با اطلاق تبصره ۵ ماده ۱ قانون سابق (بند پ ماده ۱ قانون فعلی) مغایر است. علاوه بر این، قانون‌گذار به جای عبارت «بیمه نبودن وسیله نقلیه» (در ماده ۱۰ قانون ۴۷)، تعبیر «فقدان بیمه‌نامه» را در ماده ۱۰ قانون ۸۷ و ماده ۲۱ قانون ۹۵ جایگزین کرده است. این تعبیر و برداشت اجتماعی از حادثه، حسب مورد مستلزم تعهد بیمه و صندوق در برابر خسارات ناشی از وسیله نقلیه خواهد بود.

صرف وقوع خسارت در قلمروی سرزمینی ایران برای جبران خسارت، کافی و تابعیت زیان دیده نیز تاثیری در این تعهد نداشته باشد.^۱

۲-۲. پیش‌بینی پرداخت‌کننده ثالث

قانون بیمه اجباری، از مواجهه عامل خسارت و زیان‌دیده اجتناب می‌نماید. اما قطعاً صرف وجود بیمه (حتی بیمه اجباری) نظام جبران را از منطق مسئولیت مدنی خارج نمی‌کند. در حقیقت، بیمه ظهیر مسئولیت مدنی است و آنچه وجه تمایز نظام اجتماعی از مسئولیت سنتی است وصف تبعی یا اصالت نهاد جبران‌کننده است. زیرا در مسئولیت مدنی، بیمه نقش تبعی و فرعی را ایفا می‌کند لیکن در تضمین اجتماعی، کارکردی اصیل می‌یابد و تبدیل به بدهکار اصلی دین جبران خسارت می‌گردد. بیمه اجباری در این قانون با گذر از مسئولیت مدنی، تغییر ماهیت می‌دهد و با کنار گذاشتن مبانی سنتی، نظامی متمایز ایجاد کرده است تا نیاز امنیت را تأمین کند.

با این برداشت، بر خلاف تصویری که بیمه و صندوق جبران خسارات بدنی را نظام تکمیلی مسئولیت مدنی تلقی می‌کند، باید نظام جبران خسارت در قانون جدید (و تا حدی در قانون ۱۳۸۷) را جایگزین مسئولیت مدنی انگاشت. صدق این مدعا با توجه به مواد ۳۱ و بعد قانون که بیمه را ملزم به تادیه مستقیم خسارت می‌کند، اثبات می‌گردد و مقنن، فارغ از میانی مرسوم، نهادهای جایگزین را ملزم به پاسخگویی می‌کند. پیش‌بینی این نهاد جایگزین، حق غرامتی به زیان‌دیده اعطاء می‌کند که مستقل از حق او در برابر مسئول حادثه است و مساله اصلی، تنها تعیین بیمه‌گر یا (در غیاب او)، مراجعه به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی خواهد بود. بدیهی است که با شناسایی این تعهد، قربانی حادثه حق اقامه دعوی به طرفیت نهاد جایگزین را نیز دارد.

علاوه بر بیمه، قانون‌گذار با گسترش تعهدات صندوق خسارت‌های بدنی، تجلی همبستگی اجتماعی را بیش از پیش آشکار نموده است. در حاکمیت قانون ۱۳۴۷ صندوق، سقف تعهدات و منابع مالی محدودی داشت (ماده ۱۱) و جبران خسارت توسط صندوق ناکافی بود. در قانون اخیر، تصریح به نقش حمایتی صندوق، افزایش منابع مالی و حتی الزام دولت به جبران کسری بودجه آن (ماده ۲۴)، تجلی همبستگی و نشانگر تعهد به جبران خسارتی است که دولت و گروه اجتماعی، نقشی مستقیم در وقوع آن ندارند.

۱. البته در عمل، صندوق تأمین خسارات بدنی، تنها از اتباع ایرانی و کسانی که اقامت مجاز در ایران دارند، حمایت می‌کند که این تبعیض، علاوه بر مغایرت با مبانی قانون، با ظاهر آن نیز هماهنگی ندارد.

همچنین سقف تعهدات صندوق افزایش یافت^۱ و این نهاد، امکان رقابت با مسئولیت مدنی را از حیث گستره جبران، پیدا کرد.

همچنین افزون بر بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، قانون‌گذار در تمهید جبران کامل زیان و تأمین هزینه‌های درمانی (که از دیه مقدر فراتر می‌رود) وزارت بهداشت را نیز متعهد قلمداد می‌کند. در این راستا، به تبع ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم (۱۳۸۳) و بند ب ماده ۳۷ قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹) و ماده ۳۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۹۳)^۲، ماده ۳۵ قانون ۱۳۹۵ تصریح می‌کند: «هزینه‌های معالجه اشخاص ثالث ... و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده ۳۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد بر عهده بیمه‌گر مربوط یا صندوق است»^۳.

در جهت این تضمین فراگیر، کلیه خسارات بدنی باید توسط بیمه، صندوق یا سایر نهادهای متکفل معالجه زیان‌دیده، جبران شود و بر خلاف رویه سابق که بیمه‌گر مدعی بود خسارت از سقف تعهدات شرکت بیمه فراتر رفته است و زیان‌دیده به ناچار به عامل زیان رجوع می‌نمود، نباید خسارتی بدون جبران باقی بماند.

۲-۳. حذف مسئولیت

نخستین نکته‌ای که مبین عدول از مسئولیت مدنی است از تغییر عنوان قانون استنباط می‌شود. در واقع، قانون‌گذار به جای «بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان»، در قانون اخیر از «بیمه اجباری خسارات ... حوادث ناشی از وسایل نقلیه» یاد می‌کند. افزون بر این، هر چند حسب ماده ۱ قانون ۱۳۴۷ «کلیه دارندگان وسایل نقلیه، ... مسئول جبران خسارت» و مکلف بودند «مسئولیت خود را ... بیمه نمایند» اما

۱. قبل از تصویب قانون ۱۳۸۷، تعهدات صندوق، محدود و فروتر از میزان دیه بود که هر سال به تصویب هیأت وزیران می‌رسید. با این اوصاف، گاه با فوت زیان‌دیده، افزون بر مبلغ دیه در تعهد صندوق بیت‌المال قرار می‌گرفت. همچنین با وجود تصریح قانون ۱۳۸۷ به تکلیف صندوق در تأدیه دیه کامله باز هم برخی محاکم، جبران خسارت را متوجه صندوق بیت‌المال می‌دانستند. این رویه ناصواب، سبب بخشنامه رئیس قوه قضاییه جهت تذکار اجرای قانون جاری گردیده بود (روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۸۹ مورخ ۸۸/۲/۱۴).
۲. «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومان حوادث و سوانح رانندگی ... و مراجعات ضروری بعدی را به عمل آورد...»
۳. این تکلیف بعضاً در رویه قضایی نیز مستند قرار گرفته است. از جمله شعبه ۴۳ تجدیدنظر تهران در دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۱۱۶۶-۹۱/۱۰/۲۵، اعلام می‌دارد: «از آنجا که هزینه‌های درمانی ناشی از تصادف به موجب ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم توسعه و دستورالعمل اجرایی آن بر عهده وزارت بهداشت است و برابر دستورالعمل به تمامی مراکز درمانی، حق دریافت هیچ‌گونه هزینه درمانی نمی‌باشد، خواهان می‌تواند با مراجعه به مرکز درمانی خود هزینه درمانی پرداختی را پس بگیرد.» مع‌هذا صرف نظر از تفاوت حکم قانون در برنامه پنجم و قوانین بعدی، به نظر می‌رسد این راهکار در عمل چندان مفید فایده نباشد. مضافاً بر این ماده ۳۵ یادشده، مجمل است و مشخص نیست حدود تعهد مراکز درمانی، بیمه و صندوق در درمان و هزینه‌های معالجه تا چه میزان خواهد بود.

با اصلاحیه این قانون در ۱۳۸۷ و سرانجام با قانون ۱۳۹۵، تعبیر مسئولیت دارنده در جبران خسارت، منتفی گردید و دارندگان وسایل نقلیه (صرف نظر از مسئولیت مدنی)، صرفاً ملزم به بیمه حوادث وسایل نقلیه شدند.

به نظر می‌رسد تلقی اجتماعی و تفسیر حمایتی متفاوت از اصول مسئولیت مدنی، با سایر مواد این قانون نیز سازگارتر است. در واقع قانون‌گذار، بجز راننده مسبب حادثه (بند ت ماده ۱)، چتر جبران خسارت را بر سر همگان گسترده است.^۱ این تلقی، موجب می‌شود در مواردی که راننده، مسبب حادثه نیست بتواند به عنوان ذی‌نفع، تدارک خسارات خود را مطالبه کند.^۲

اما مهم‌ترین دلیلی که موید عدول از مسئولیت مدنی تلقی می‌گردد کاستن از موارد استثنای جبران خسارت و حذف عوامل رافع مسئولیت مانند قوه قاهره، فعل ثالث یا تقصیر زیان‌دیده است (ماده ۱۷). در واقع محو اندیشه سببیت، اجازه جبران خسارت با وجود عوامل معافیت را می‌دهد و باقی ماندن برخی عوامل معافیت، به دلایلی خارج از سببیت است.^۳ در خصوص قوه قاهره باید توجه داشت که حسب بند ۱ ماده ۴ قانون ۱۳۴۷، خسارات ناشی از فورس‌ماژور از شمول بیمه خارج بود. علی‌رغم اینکه ماده ۷ قانون ۱۳۸۷، از موارد استثناء کاست و بند ۱ ماده ۴ سابق را تکرار نمی‌کرد، برخی این سکوت را از باب اهمال قانون‌گذار یا بدهمت می‌انگاشتند و جبران خسارت (در صورت قوه قاهره) را بر خلاف منطق مسئولیت مدنی تلقی می‌کردند.^۴ در عمل نیز شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارات بدنی، نسبت به جبران این خسارات خود را متعهد نمی‌شمردند. اما صرف نظر از اینکه با سکوت در مقام بیان مقنن، این احتمال در حاکمیت قانون سابق نیز موجه نبود، ادامه این مسیر در قانون اخیر، نشانگر اراده قانون‌گذار بر جبران خسارات ناشی از قوه قاهره است، به‌ویژه که در بند پ ماده ۱ نیز «سوانح ناشی از حوادث غیر مترقبه» قابل تدارک انگاشته شده است.^۵

۱. در راستای این منطق حمایتی، «بند ب ماده ۱۱۵» قانون برنامه پنجم، گامی به پیش نهاد و مقرر می‌داشت: «وزارت امور اقتصاد و دارایی مکلف است نسبت به بیمه شخص ثالث در مورد راننده همچون سرنشین، بیمه شخص ثالث را اعمال نماید.» همچنین حسب ماده ۳ قانون ۱۳۹۵ «دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند.»

۲. مثلاً یکی از مواردی که بعضاً اتفاق می‌افتد راننده‌ای است که برای معاینه به زیر خودرو رفته و بر اثر نقص فنی یا سانحه قهری و حرکت خودرو مصدوم می‌شود. بی‌تردید جبران خسارت وی که با منطق مسئولیت مدنی ناسازگار است، در راستای تضمین اجتماعی با «بند ت ماده ۱» هماهنگ خواهد بود.

3. Sousse, Marcel, op.cit, p. 343.

۴. ایزانلو، محسن، نقد و تحلیل قانون اصلاح قانون بیمه اجباری، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص. ۳۹.

۵. البته قوه قاهره در صورتی تحت شمول قانون بیمه اجباری قرار می‌گیرد که سانحه ناشی از وسیله نقلیه یا محمولات آن باشد.

همچنین بر خلاف بند ۴ ماده ۴ قانون ۴۷ که «خسارات وارد به متصرفین غیر قانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی» از شمول جبران استثناء شده بود، قانون اصلاحی ۸۷ (ماده ۶) و قانون ۹۵ (ماده ۱۵)، تصریح می‌کنند که در صورت عمد و تقصیر راننده یا در صورت فقدان گواهینامه، شرکت بیمه در وهله اول موظف است خسارت زیان‌دیده را پرداخت نماید. بدیهی است این موارد با ضوابط بیمه مسئولیت (که فرع بر تعهد عامل خسارت است) سازگاری ندارد.^۱

این تفسیر و مبنای حمایتی با سایر مواد نیز هماهنگ خواهد بود. در واقع هر چند در بیمه مسئولیت، حق زیان‌دیده در برابر بیمه‌گر، منوط به شروط بیمه‌نامه و مهم‌تر از آن، اثبات مسئولیت بیمه‌گذار است و بدیهی است که اقتضای بیمه، تضمین تکلیف قانونی عامل خسارت باشد و حدود تعهد تبعی بیمه‌گر، فراتر از عامل زیان‌نرود، اما در موارد متعدد این قانون، الزام بیمه‌گر فراتر از عامل خسارت است. مثلاً با وجود اینکه ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی، صرفاً «دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی» را به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌کند، حسب ماده ۱۰ قانون مصوب ۱۳۹۵، «بیمه‌گر مکلف است ... خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند.» لذا با وجود اینکه اصولاً مسئولیت عامل زیان‌محدود به دیه مقدر (در برابر اقلیت‌های رسمی) و جنسیت مجنی‌علیه خواهد بود، این محدودیت به نفع بیمه‌گر وجود ندارد. به دیگر سخن، اگر مصدوم حادثه مرد یا از اقلیت‌های رسمی نباشد، مسئولیت عامل حادثه کمتر از دیه کامله بود؛ در صورتی که این تعهد شخصی، ارتباطی به تکلیف قانونی بیمه‌گر ندارد و تعهد بیمه، مستقل از عامل حادثه است.

مضاف بر این، بر خلاف بیمه مسئولیت که معاذیر و دفاعیات عامل حادثه در برابر زیان‌دیده قابل استناد است، اصولاً هیچ عاملی، حتی تقصیر زیان‌دیده (بجز تقصیر عمدی وی مانند قصد خودکشی)، رافع تکلیف جبران خسارت نیست.^۲ بدیهی است که مهلت‌های قانونی نیز که به نفع عامل خسارت مقرر شده است به سود بیمه یا صندوق

۱. در خصوص متصرف غیرقانونی نیز می‌توان به این نتیجه ملتزم شد. این استدلال که در حاکمیت قانون اصلاحی ۸۷ نیز قابل پذیرش بود، خوشبختانه در «بند ت ماده ۱۵» قانون جدید تصریح شده است و «در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد» بیمه، ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

۲. در راستای تأکید بر تعهد متمایز بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از مسئولیت عامل حادثه، ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (۱۳۸۹)، ضمن اعلام عدم مسئولیت راننده در صورت تقصیر عابر پیاده در تردد غیر مجاز و بدون توجه به علائم، تصریح می‌کند: «... عدم مسئولیت راننده مانع استفاده مصدوم یا وراث متوفی از مزایای بیمه نخواهد شد و شرکت بیمه ... ملزم به اجراء تعهدات موضوع بیمه‌نامه به مصدوم یا وراث متوفی خواهد بود. چنانچه وسیله نقلیه بیمه نباشد، دیه عابر از صندوق ... پرداخت می‌شود...» ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن (۱۳۴۹) نیز همین حکم را مقرر می‌نماید.

خسارات بدنی، قابل استناد نخواهد بود. به تعبیر دیگر، مهلت‌های مندرج در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی که به نفع محکوم‌علیه پیش‌بینی شده، ارتباطی به تعهد نهاد جبران‌کننده خسارت ندارد (رک: ماده ۲۶ دستورالعمل شماره ۳ طرح جامع رفع اطاله دادرسی، مصوب ۸۵/۸/۳۰ رییس قوه قضاییه). حکم مواد ۳۴ و ۳۶ مبنی بر اینکه بیمه یا صندوق، به صرف مطالبه زیان‌دیده، ملزم به تادیه دیه در مواعد مقرر (حسب اینکه حادثه، جرحی یا فوتی باشد) خواهند بود نیز موید این برداشت است.

یکی از دیگر از مواردی که مبین تفاوت تعهد بیمه‌گر از عامل حادثه است، در افزایش نرخ ریالی دیه ملاحظه می‌شود. در واقع، اگر بیمه اجباری بابت تعهد مسئولیت و صرفاً حسب رابطه قراردادی ایجاد می‌شد باید مقید به شرایط قراردادی و از جمله میزان خطر تضمین‌شده، می‌گردید. اثر این مسأله به خصوص با توجه به افزایش مبلغ ریالی دیه در طول زمان جلوه‌گر می‌شود. بدین ترتیب، سابقاً بیمه‌گر به دستاویز اینکه خطر بیمه‌شده متناسب با حق بیمه تأدیه‌شده در زمان انعقاد قرارداد است از پرداخت مازاد مبلغی که بر اثر افزایش ارزش ریالی دیه به واسطه اطاله دادرسی پیش آمده بود، خودداری می‌کرد. بدین‌سان، شرکت‌های بیمه که غالباً از تأدیه خسارت بدون حکم دادگاه، امتناع یا پرداخت آن را منوط به صرف نظر زیان‌دیده از دریافت کامل خسارت می‌نمودند، در صورت طرح دعوی و افزایش مبلغ دیه بر اثر گذر زمان، با استناد به ماده ۱۴ قانون اصلاحی ۱۳۸۷ مبنی بر حق مراجعه مستقیم زیان‌دیده به بیمه، آثار تغییر نرخ دیه را به دوش زیان‌دیده و عامل خسارت می‌انداختند و خود را ملتزم به نرخ روز تأدیه نمی‌دانستند. این مسأله در خصوص تغییر نرخ دیه و عدم اخذ الحاقیه از سوی بیمه‌گذار نیز مطرح و استدلال می‌گردید که بیمه‌گر مسئول پرداخت دیه بر اساس همان نرخ است که در بیمه‌نامه مورد توافق قرار گرفته است و مبلغ مازاد را باید از خود عامل زیان مطالبه کرد.

اما هر چند ماده ۵ قانون اصلاحی بیمه اجباری ۱۳۸۷ تصریح داشت که «بیمه‌گر ملزم به جبران خسارت‌های وارد شده ... تا حد بیمه‌نامه خواهد بود.» و در ماده ۴ قانون مذکور نیز، حداقل مبلغ بیمه در بخش خسارات بدنی، معادل حداقل ریالی دیه یک فرد مسلمان در ماه‌های حرام اعلام شده بود، به نظر می‌رسد که نظر به ماهیت تعهد بیمه‌گر (که از مصادیق دین به ارزش است)، حداقل مبلغ ریالی تحت پوشش به نرخ روز اجرای حکم، ملاک تعهد بیمه‌گر خواهد بود و قید سقف تعهدات ریالی در بیمه‌نامه سبب تبدیل تعهد اقلام دیه به وجه نقد نمی‌گردد. لذا چنانچه در تاریخ جبران خسارت، نرخ دیه بیش از مبلغ تعیین شده در قرارداد باشد، بیمه‌گر نمی‌تواند به دستاویز محدودیت تعهد خود، از جبران خسارت امتناع کند.^۱

۱. ایزانلو، محسن، منبع پیشین، ص. ۱۱.

مع‌هذا علی‌رغم مراتب فوق و با وجود بخشنامه‌های مکرر رئیس قوه قضاییه (بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۹۲۷۲/۱۰۰ مورخ ۹۰/۲/۲۴ و بخشنامه ۹۰۰/۹۶۹۷/۱۰۰ مورخ ۹۰/۳/۱۱) و نظریات مشورتی که بیمه یا صندوق تأمین خسارات بدنی را نسبت به مابه‌التفاوت مبلغ مندرج در بیمه‌نامه متعهد می‌دانستند (با توجه به مقاومت شرکت‌های بیمه و رویه اکثر محاکم)، عموماً زیان دیده در قبال افزایش نرخ ریالی دیه از دریافت دیه کامل، ناکام و ناگزیر به طرح دعوی به طرفیت عامل زیان می‌گردید.

نظر به این سابقه و دور ماندن قانون از نقش حمایتی خود، ماده ۸ قانون جدید ضمن تصریح به اینکه «در هر حال بیمه‌گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی‌باشد»، در ماده ۱۳ اعلام می‌دارد: «بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء ... پرداخت کنند ...». ماده ۲۱ نیز جبران «کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه» را در زمره تعهدات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی می‌داند^۱ و در بند ۱ تبصره ۱ ماده ۲۵ نیز اعلام می‌دارد که در صورت جبران کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه، «صندوق نمی‌تواند برای بازیافت به مسبب حادثه رجوع کند». بدیهی است این مقررات، در راستای حمایت بیشتر از زیان‌دیده و متمایز از رابطه قراردادی بیمه‌گر و بیمه‌گذار است و باید با منطقی متفاوت توجیه گردد.

همچنین، حدود تعهد بیمه‌گر نیز از عامل حادثه تبعیت نمی‌کند. صرف نظر از اختلاف نظر محاکم در خصوص مطالبه خسارات مازاد بر دیه، بر فرض که (حسب ظاهر ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی)، ذمه مرتکب با پرداخت دیه بری گردد، با عنایت به بند الف ماده ۱ و ماده ۳۵ قانون بیمه اجباری (۱۳۹۵)، هزینه معالجه (متجاوز از دیه مقرر) صراحتاً در زمره تعهدات نهاد جبران‌کننده قرار گرفته است.

النهایه، نکته دیگری که می‌تواند مؤید تضمین حقوق زیان‌دیده باشد تأکید بر امری بودن و ممنوع کردن تأدیه حقوق کمتر از تکالیف قانونی در قبال زیان‌دیده است. با توجه به سنتی نامرضی که تا پیش از این مرسوم بود، شرکت‌های بیمه با تحمیل صلح‌نامه‌ای یک‌جانبه به زیان‌دیده مستأصل، وی را مأخوذ به رضایتی ناخواسته می‌کردند.^۲ با گسترش حمایت قانونی، ماده ۱۱ صریحاً چنین رضایت‌نامه‌ای را بی‌اثر

۱. قسمت اخیر ماده ۱۳ در این راستا تصریح می‌کند: «بیمه‌گر در صورتی که خسارت بدنی که به زیان‌دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حساب‌های فی‌مابین منظور کند».

۲. البته در حاکمیت قانون ۸۷ نیز برخی محاکم از پذیرش این رضایت‌نامه (که جبرانی کمتر از حقوق قانونی را به زیان‌دیده تحمیل می‌کرد)، اجتناب می‌کردند. مثلاً دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۴۰۰۴۰۰۴۸۰ مورخ ۹۲/۵/۲۸ شعبه ۴ دادگاه عمومی زنجان اعلام می‌دارد: «... در خصوص رضایت‌نامه اخذشده نیز مطلب قابل

اعلام می‌نماید و بر حمایت از زیان‌دیده تأکید می‌ورزد. بدیهی است که با توجه به اجباری و امری بودن قانون، کلیه استثنائات قراردادی بیمه‌گر نیز بی‌اعتبار خواهد بود؛ زیرا تعهد بیمه‌گر منشأ قانونی یافته است و توافق قراردادی خلاف آن، کان‌لم‌یکن انگاشته می‌شود.



تأمل این است که چرا شرکت‌های بیمه مبادرت به اخذ رضایت از مصدومین می‌نمایند مگر نه اینکه با انجام تعهد و پرداخت دیه مصدومین به صورت کامل، ذمه شرکت‌های بیمه بری می‌گردد لذا لزومی به معرفی اجباری مصدومین به دفاتر اسناد رسمی و اخذ رضایت‌نامه نمی‌باشد و اینکه چرا در زمان اخذ رضایت، میزان دیه به صورت صریح ذکر نمی‌گردد و چرا قبل از پرداخت دیه، اقدام به اخذ رضایت می‌گردد؟ در حالی که از شرایط اساسی اعلام رضایت و مقدمه آن پرداخت دیه می‌باشد تا فرد با علم و اطلاع از میزان دیه دریافتی نسبت به اعلام رضایت اقدام نماید. لذا رضایت‌نامه اخذشده فاقد اثر حقوقی است. «مع هذا رویه معمول، پذیرش رضایت‌نامه و نفوذ گذشت مصدوم در قبال بخشی از دیه‌ای بود که استحقاق آن را داشت.

نتیجه‌گیری

امروزه حقوق جبران خسارات جسمانی، به تضمین گسترده خطرات روی آورده و این تضمین فراگیر، نیازمند تمهید نظامی مستقل از مسئولیت مدنی است. در این راستا، اندیشه تضمین اجتماعی در جستجوی مبنایی متفاوت برای جبران خسارت است. در این نگرش، حادثه نه به عنوان واقعه‌ای ناگوار که به تمامیت جسمانی فرد، آسیب وارد می‌آورد بلکه به مثابه رویدادی است که تعادل و نظم اجتماعی را بر هم می‌زند.

با شناسایی تکلیف گسترده جبران که فارغ از مسئولیت شخصی یا تبعی متعهد است، سخن بر سر ایفای نقش همبستگی است. «همبستگی اجتماعی»، در ورای قالب‌های سنتی، اجازه جبران خساراتی را می‌دهد که مسئولیت مدنی در تدارک آنها ناکارآمد است. لذا به‌جای نهادهای گروهی (مانند بیمه) که با حفظ چارچوب و قواعد مرسوم ضمان سنتی، در تکمیل مسئولیت اهتمام داشتند، با اندیشه جدید، منطق و ماهیت تعهد جبران خسارت دگرگون می‌گردد. با جایگزینی مسئولیت مدنی، منطق جدید از الزامات سابق (مانند سببیت، شناسایی و ملائمت عامل زیان)، رها می‌شود و نفس وقوع فعل زیان‌بار، حق مطالبه جبران را برای قربانی ایجاد می‌کند. به جای مسئولیت مدنی، نظامی اجتماعی جایگزین می‌گردد و به دستاویز نهادهای جمعی، تدارک خسارت را تضمین می‌کند. اندیشه تضمین اجتماعی، افراد جامعه را مثابه مجموعه‌ای به هم پیوسته تصور می‌کند و با تمسک به بیمه‌های اجباری، صندوق‌های جبران خسارت و حتی نقش مستقیم دولت در جبران زیان، در صدد تدارک خساراتی بر می‌آید که ابزارهای سنتی جبران در آنها راه ندارند.

بی‌تردید با توجه به شمار زیاد و پیامدهای ناگوار حوادث ناشی از وسایل نقلیه، تلقی آنها به عنوان «خطر اجتماعی» ناروا نخواهد بود. این برداشت به گونه‌ای محسوس بر تحول قوانین ایران نیز اثرگذار بوده است. «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه» و خلف آن، که در سال ۱۳۹۵ به عنوان «قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» به تصویب رسید، مبتنی بر تغییر نگرش به حوادث حمل و نقل است تا در ناکارآمدی نظام مسئولیت مدنی، امکان جبران خسارات را فراهم آورد.

حمایت از زیان‌دیدگان با برداشتی متفاوت از حادثه، پیش‌بینی پرداخت‌کننده ثالثی که تعهدی مستقل از عامل حادثه دارد و عدول از قواعد مسئولیت مدنی، این قانون را متمایز از جبران مرسوم در حقوق مدنی و به لونی دیگر در می‌آورد و به نظر می‌رسد که می‌تواند داعیه‌دار بازاندیشی مبانی سنتی ضمان قهری در حقوق ایران باشد. در این راستا، تفسیر متفاوت این قانون که ملهم از اندیشه تضمین اجتماعی است راهگشای بسیاری از مشکلات، در جهت برآوردن نیاز امنیت و خرق عادات معهود در رویه قضایی خواهد بود.

منابع

- ایزانلو، محسن، «نقد و تحلیل قانون اصلاح قانون بیمه اجباری»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، ۱۳۸۷.
- بادینی، حسن، «مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- خدابخشی، عبدالله، «مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی و تحولات آن در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ۱۳۹۰.
- ره‌پیک، سیامک، «مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب سال ۱۳۸۷ در مقایسه با قانون مصوب ۱۳۴۷»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۳، ۱۳۹۰.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب اله، مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- قسمتی تبریزی، علی، «اجتماعی کردن خطرات»، نامه مفید، شماره ۸۲، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- Daniel, Jean Pierre, «L'assurance automobile dans les pays émergents : vers l'âge de raison?», Risques, n° 83, 2010.
- Delvolvé, Pierre, Le droit administratif, 3è éd, Paris, Dalloz, 2002.
- _____, Le principe d'égalité devant les charges publiques, Paris, L.G.D.J, 1966.
- Duguit, Léon, Manuel de droit constitutionnel, Paris, Editions Panthéon-Assas, 2007.
- _____, Traité de droit constitutionnel, T 3, Paris, Gallica, 1927.
- Ewald, François, «La société assurancielle», Risques, n° 1, 1990.
- Ewald, François, «Responsabilité. Solidarité. Sécurité», Risques, n° 10, 1992.
- Laroumet, Christian, «L'indemnisation des victimes d'accidents de la circulation: l'amalgame de la responsabilité civile et l'indemnisation automatique», Dalloz, Chron, 1985.
- Leduc, Fabrice, «Le droit de la responsabilité hors le code civil», Petites affiches, n° 133, 2005.

-
- Margeat, H, «Déclin, Rémanence ou Renaissance de la Responsabilité civile?», *Risques*, n° 10, 1992.
 - Millet, Florence, *La notion de risque et ses fonctions en droit privé*, Presses Universitaires de la faculté de droit de Clermont Ferrand, 2002.
 - Pignerol, Bernard, «Responsabilité et socialisation du risque», *AJDA*, n° 40, 2005.
 - Pontier, J-M (1983), «De La solidarité nationale», *Revue de droit public*, 1983.
 - _____, «Le législateur, l'assureur et la victime», *RFDA*, 1986.
 - _____, «Sida, de la responsabilité à la garantie sociale», *RFDA*, 1992.
 - Renoux, Thierry, «L'indemnisation des victimes d'actes de terrorisme, un nouveau cas de garantie sociale», *RFDA*, 1987.
 - Ripert, George, *Le régime démocratique et le droit civil moderne*, 3^e éd, Paris, L.G.D.J, 1948.
 - Russo, Chantal, *De l'assurance de responsabilité à l'assurance directe*, Paris, Dalloz, 2001.
 - Savatier, René, *Traité De la responsabilité civile en droit français*, T 1, Paris, L.G.D.J, 1939.
 - _____, «Vers la socialisation de la responsabilité et des risques individuels», *Dalloz*, n° 5, *Chron*, 1931.
 - Sousse, Marcel, *La notion de réparation de dommage en droit administratif français*, Paris, L.G.D.J, 1994.
 - Starck, Boris, *Droit civil, Obligations*, Paris, Litec, 1988.
 - Viney, Geneviève, *Introduction à la responsabilité*, 3^e éd, L.G.D.J, 2007.